

صکوک مرابحه

ابزار مالی مناسب برای بازار پول و سرمایه اسلامی

سید عباس موسویان*

چکیده

مرابحه، قرارداد فروشی است که فروشنده به وسیله آن، قیمت تمام شده کالا، اعم از قیمت خرید، هزینه‌های حمل و نقل، نگهداری و سایر هزینه‌های مرتبط را به اطلاع مشتری می‌رساند. سپس با افزودن مبلغ یا درصدی به عنوان سود، به وی می‌فروشد، بیع مرابحه می‌تواند به صورت نقد یا نسبه منعقد شود و به طور معمول، نرخ سود نسبه آن بیشتر است. مدتی است که متفکران مسلمان، به منظور پر کردن خلأ حاصل از حذف اوراق قرضه، با استفاده از ویژگی‌های بیع مرابحه اقدام به طراحی اوراق بهاداری به نام صکوک مرابحه کرده‌اند که می‌تواند مکمل خوبی برای بازار پول و سرمایه اسلامی به منظور تأمین مالی و ابزار سیاست پولی باشد.

اوراق مرابحه به صورت‌های گوناگون قابل طراحی است که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

اوراق مرابحه برای تأمین مالی؛

اوراق مرابحه برای تأمین نقدینگی؛

اوراق مرابحه برای تشکیل سرمایه شرکت‌های تجاری؛

تبدیل اوراق مرابحه رهنی به اوراق بهادار برای مطالبات بانک‌ها و لیزینگ‌ها.

در این مقاله، انواع اوراق بهادار مرابحه از جهت انطباق با موازین شرعی و معیارهای اقتصادی بررسی می‌شود و در نهایت نشان می‌دهیم که نوع اول و چهارم اوراق مرابحه فقط بر اساس فقه مشهور شیعه مجاز بوده و در داخل کشور قابل انتشار است و نوع سوم، به خاطر هماهنگی با فقه شیعه و اهل سنت هم برای داخل کشور و هم برای سطح بین‌المللی مناسب است؛ اما نوع دوم با مشکل فقهی جدی رو به رو است و قابل انتشار نمی‌باشد.

واژه‌های کلیدی: مرابحه، اوراق مرابحه، تأمین مالی، تأمین نقدینگی، تبدیل به اوراق بهادار کردن، سیاست پولی.

مقدمه

یکی از انواع قرارداد فروش، بیع مباحه است که از زمان‌های قدیم بین مردم رایج بوده است و مقصود از آن، بیعی است که فروشنده قیمت تمام‌شده کالا اعم از قیمت خرید، هزینه‌های حمل و نقل، نگهداری و سایر هزینه‌های مرتبط را به اطلاع مشتری می‌رساند، سپس تقاضای مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود می‌کند (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۳، ص ۳۰۳). برای مثال، اعلام می‌کند که این کالا را به هزار تومان خریده و حاضر است که به هزار و صد تومان یا با ده درصد سود به مشتری بفروشد. چنانچه فروشنده در بیع مباحه در بیان قیمت خرید یا هزینه‌های مربوطه دروغ بگوید، مشتری خیار فسخ پیدا می‌کند (همان، ص ۳۱۷). بیع مباحه می‌تواند به صورت نقد یا نسبه منعقد شود و در صورتی که نسبه باشد، به طور معمول، نرخ سود آن بیشتر است.

مدتی است که برخی از متفکران مسلمان، با استفاده از ویژگی‌های بیع مباحه اقدام به طراحی اوراق بهاداری به نام اوراق بهادار یا صکوک مباحه کرده‌اند (مقدسی، ۱۳۷۳، ص ۸۷ - ۸۸) و در برخی کشورهای اسلامی، مانند مالزی، به عنوان اوراق قرضه اسلامی به مرحله اجرا نیز رسیده است (صالح آبادی، ۱۳۸۵، ص ۳۱۷).

فرضیه این مقاله آن است که بازار اولیه و ثانویه نوع اول و سوم اوراق مباحه مبتنی بر پذیرش خرید و فروش دین است که تنها بر اساس فقه شیعه و گروهی از شافعیه پذیرفته شده است. نوع دوم مبتنی بر پذیرش خرید و فروش عینه است که به اعتقاد همه فقهای شیعه و اهل سنت مشکل دارد و نوع چهارم بر اساس نوعی مشارکت در تشکیل سرمایه است که فقهای همه مذاهب قبول دارند.

بنابراین، برخی از این اوراق فقط می‌تواند کاربرد داخلی داشته باشد و برخی برای سطح بین‌المللی طراحی می‌شود. در این مقاله، از نظر اقتصادی نیز نشان داده می‌شود که اوراق مباحه می‌تواند کارکردهای گوناگونی داشته باشد که مهم‌ترین آنها عبارت است از: تأمین مالی دولت، مؤسسات وابسته به دولت و بنگاه‌های اقتصادی، تأمین نقدینگی مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی، تبدیل مطالبات حاصل از تسهیلات فروش اقساطی بانک‌ها و شرکت‌های لیزینگ به اوراق بهادار و تأمین سرمایه بلندمدت شرکت‌های تجاری، بازرگانی و ابزاری برای اعمال سیاست پولی از طریق عملیات بازار باز به وسیله خرید و فروش اوراق مباحه دولتی (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۳۶۵).

تعریف اوراق مرابحه

به خاطر اختلاف انواع اوراق مرابحه که توضیح آنها می‌آید، نمی‌توان تعریف جامع و دقیقی از این اوراق بیان کرد؛ اما در نگاه عام می‌توان گفت: اوراق مرابحه، اوراق بهاداری است که دارندگان آنها به صورت مشاع، مالک دارایی مالی (دینی) هستند که بر اساس قرارداد مرابحه حاصل شده است. این اوراق بازدهی ثابت داشته و قابل فروش در بازار ثانوی می‌باشد (پژوهشکده پولی بانکی، ۱۳۸۵، ص ۸).

ارکان اوراق مرابحه

در انتشار اوراق مرابحه عناصر حقیقی و حقوقی متعددی حضور دارند، در این قسمت با استفاده از مصوبه کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار که به تأیید شورای بورس نیز رسیده است، مهم‌ترین عناصر آن معرفی می‌شود (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۸۶، ص ۲):

۱. **بانی:** هر شخص حقوقی، مانند دولت و مؤسسه وابسته به دولت، شهرداری یا بنگاه خصوصی است که انتشار اوراق با هدف تأمین مالی وی صورت می‌گیرد.
۲. **ناشر (واسط):** هر شخص حقوقی است که اوراق بهادار را منتشر می‌کند و واسط یک مؤسسه مالی است که توسط بانی برای انجام یک پروژه خاص انتخاب یا تأسیس می‌شود.
۳. **سرمایه‌گذاران (دارندگان اوراق):** اشخاص حقوقی یا حقیقی هستند که با خرید اوراق بهادار، بانی را تأمین مالی می‌کنند.
۴. **امین:** شخص حقوقی مورد تأیید سازمان بورس و اوراق بهادار است که بر کل روند انتشار اوراق بهادار نظارت دارد و تمامی نقل و انتقالات مالی با اجازه وی صورت می‌گیرد.
۵. **شرکت تأمین سرمایه:** شرکتی است که به عنوان واسطه بین ناشر و سرمایه‌گذاران فعالیت می‌نماید.
۶. **مؤسسه رتبه‌بندی:** شرکتی است که با گرفتن مجوز از سازمان بورس به تعیین رتبه اعتباری اوراق اقدام می‌کند.

انواع اوراق مرابحه

اوراق مرابحه انواع گوناگونی دارد که برخی در مرحله پیشنهاد و برخی به مرحله اجرا رسیده است، مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱. اوراق مرابحه تأمین مالی

در این نوع، بانی برای تأمین مالی خود، اقدام به انتخاب یا تأسیس مؤسسه مالی به منظور خاص با عنوان واسط می‌کند. واسط با انتشار اوراق مرابحه از طریق شرکت تأمین سرمایه، وجوه سرمایه‌گذاران مالی (مردم) را جمع‌آوری کرده و به وکالت از طرف آنان کالای مورد نیاز بانی را از تولیدکننده (فروشنده) به صورت نقد خریداری و به صورت بیع مرابحه نسبه به قیمت بالاتر به بانی می‌فروشد. بانی متعهد می‌شود که در سررسید مشخص، قیمت نسبه کالا را از طریق شرکت تأمین سرمایه به دارندگان اوراق برساند. دارندگان اوراق می‌توانند تا سررسید منتظر بمانند و از سود مرابحه استفاده کنند و یا قبل از سررسید اوراق خود را در بازار ثانوی به فروش برسانند.

برای مثال، فرض کنید که دولت برای ارتقای سطح حمل و نقل عمومی، نیاز به خرید ۱۰۰۰ واحد اتوبوس به ارزش ۱۰۰۰ میلیارد ریال دارد و به جهت محدودیت بودجه نمی‌تواند قیمت آنها را نقد پردازد، اما می‌تواند به صورت نسبه یک ساله به ۱۲۰۰ میلیارد ریال خریداری کند؛ در این فرض، اقدام به تأسیس یک مؤسسه واسط می‌کند. واسط اوراق مرابحه‌ای به ارزش اسمی ۱۲۰۰ میلیارد ریال (برای مثال، یک میلیون ورق یک میلیون و دویست هزار ریالی) منتشر کرده و در مقابل، ۱۰۲۰ میلیارد ریال (هر ورق یک میلیون و دویست هزار ریالی را به یک میلیون و بیست هزار ریال) از طریق شرکت تأمین سرمایه به مردم واگذار می‌کند، سپس ۲۰ میلیارد ریال آن را به عنوان هزینه عملیات استفاده می‌کند و با ۱۰۰۰ میلیارد ریال، ۱۰۰۰ واحد اتوبوس خریداری کرده و به قیمت ۱۲۰۰ میلیارد ریال به دولت می‌فروشد.

خریداران اوراق که هر ورق را به یک میلیون و بیست هزار ریال خریده‌اند، می‌توانند صبر کنند و در سررسید یک میلیون و دویست هزار ریال دریافت کنند، همچنین می‌توانند قبل از سررسید بفروشند. به صورت طبیعی، هر چه به زمان سررسید نزدیک شویم، قیمت اوراق به قیمت اسمی یک میلیون و دویست هزار ریال نزدیک می‌شود.

شبهه این اوراق، طرح‌هایی از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز تهیه و پیشنهاد شده، هر چند هیچ یک از آنها تاکنون به مرحله اجرا نرسیده است (فراهانی فرد، ۱۳۸۱، ص ۲۷۲).

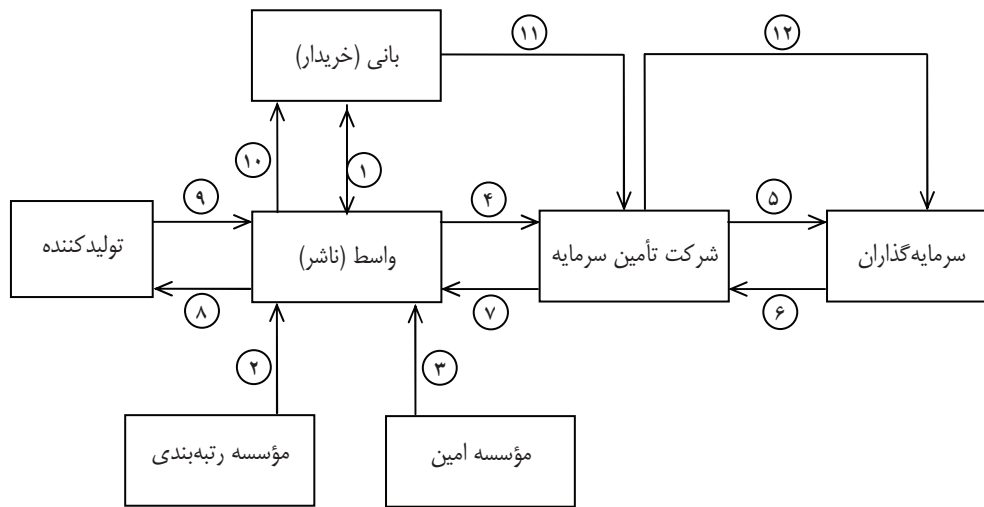
مطابق طرح نخست، یک مؤسسه مالی خصوصی، کالاهای مورد نیاز دولت را خریداری کرده، آنها را به قیمت بیشتری به صورت نسیه به دولت می‌فروشد و دولت در مقابل خرید آنها، اسناد بهاداری با مبالغ اسمی معین و با سررسیدهای مشخص (اوراق بدهی دولت) به فروشنده تحویل می‌دهد. دارندگان اوراق می‌توانند تا سررسید منتظر بمانند و مبلغ اسمی سند را از دولت دریافت کنند و یا قبل از سررسید در بازار ثانوی به فروش برسانند (همان، ص ۳۷۳).

مطابق طرح دوم، بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی اعتباری از محل منابع خود، کالاهای مورد نیاز دولت را به صورت نقد خریداری و به صورت نسیه مدت‌دار به دولت می‌فروشد و دولت در برابر خرید این کالاها، اسناد مالی با مبالغ معین و سررسیدهای مشخص (اوراق خرید دولتی) به بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی می‌پردازد و آنها می‌توانند تا سررسید اوراق منتظر بمانند و مبلغ اسمی را دریافت کنند و یا قبل از رسیدن وقت سررسید، در بازار ثانوی به مردم و یا بانک مرکزی بفروشند و پول نقد دریافت کنند (مقدسی، ۱۳۷۳، ص ۸۷ - ۸۸).

چند نکته در مورد این اوراق مطرح است:

بازار اولیه این اوراق مبتنی بر خرید و فروش نقد و نسیه دارایی خاص است که از نظر فقهی مشکلی ندارد؛ اما بازار ثانوی آنها بر اساس جواز خرید و فروش دین است که محل بحث و گفتگو است.

اوراق مرابحه و بدهی دولت که در طرح‌های یاد شده گذشت، همان طور که قابل خرید و فروش توسط مردم است، توسط بانک‌های تجاری و بانک مرکزی نیز قابل خرید و فروش می‌باشد، به این بیان که بانک‌های تجاری می‌توانند بخشی از منابع مازاد خود را به خرید این اوراق اختصاص دهند، همان طور که بانک مرکزی می‌تواند برای انجام عملیات بازار نیز از خرید و فروش این اوراق استفاده کند.



مدل عملیاتی اوراق مرابحه تأمین مالی

روابط حقوقی اوراق مرابحه تأمین مالی

۱. بانی با تأسیس مؤسسه واسط، پیشنهاد خود مبنی بر خرید نسیه یک ساله (برای مثال) دارایی خاص به قیمت مشخص را اعلام می‌دارد.
۲. واسط با انتخاب مؤسسه رتبه‌بندی مورد تأیید سازمان بورس و اوراق بهادار، امیدنامه خود را برای اعلام رتبه اعتباری تقدیم می‌کند و مؤسسه رتبه‌بندی اعتبار بانی و واسط را اعلام می‌کند.
۳. واسط با انتخاب مؤسسه امین مورد تأیید سازمان بورس و اوراق بهادار، نظارت طرح را از او می‌خواهد و مؤسسه امین با نظارت از ابتدا تا انتهای طرح موافقت می‌کند.
- ۴ و ۵. واسط بعد از کسب مجوز از سازمان بورس و اوراق بهادار، اقدام به انتشار اوراق مرابحه به ارزش اسمی معادل قیمت نسیه دارایی می‌کند، سپس آنها را به قیمت تنزیلی به اضافه هزینه عملیات (حق الوکاله) از طریق شرکت تأمین سرمایه به مردم واگذار می‌کند.
- ۶ و ۷. شرکت تأمین سرمایه، اوراق را به مردم واگذار کرده و وجوه آنان را جمع‌آوری و در اختیار واسط قرار می‌دهد.
- ۸، ۹ و ۱۰. واسط با وجوه جمع‌آوری شده، به وکالت از طرف صاحبان اوراق،

دارایی مورد نظر بانی را به صورت نقد از تولیدکننده (فروشنده) خریداری کرده، سپس با افزودن سود مشخص به صورت نسبه به بانی می‌فروشد.

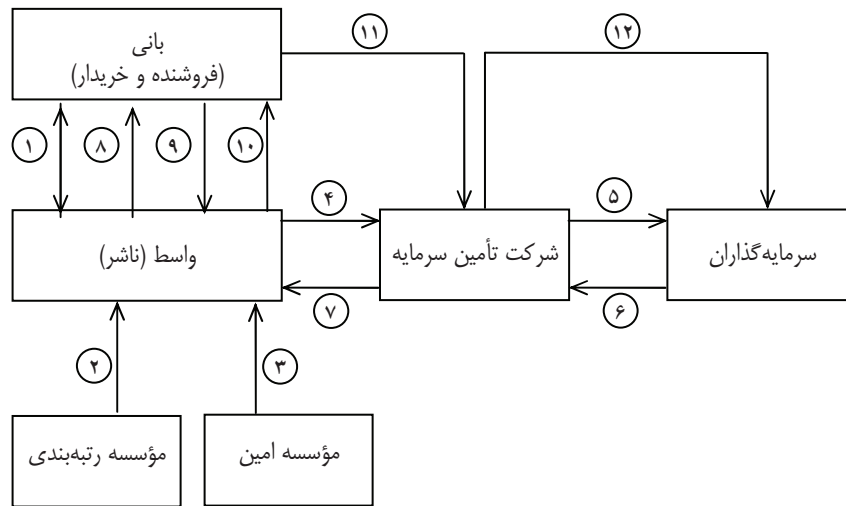
۱۱ و ۱۲. بانی متعهد می‌شود که قیمت نسبه دارایی را در سررسید مقرر از طریق شرکت تأمین سرمایه به مردم واگذار کند.

۲. اوراق مرابحه تأمین نقدینگی

در سال ۱۹۹۲ میلادی بخش خصوصی در اقتصاد مالزی نوعی اوراق بهادار منتشر کرد که مبتنی بر بیع العینه یا بازخرید دارایی فروخته شده است. در این روش، مؤسسه ناشر اوراق، دارایی‌های دولت، سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی را به صورت نقد خریده و پولش را می‌دهد، سپس با قیمتی بالاتر و به صورت نسبه مدت‌دار به خود آنها می‌فروشد و در مقابل، از آنها اسناد مالی با مبالغ و سررسیدهای معین دریافت می‌کند. مؤسسه ناشر می‌تواند منتظر بماند و سررسید مبلغ اسمی اسناد را از خریداران دریافت کند، همچنین می‌تواند در بازار ثانوی آنها را بفروشد (تنزیل کند) (صالح آبادی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲-۱۱۴).

وجود این قبیل مؤسسات مالی و اوراق مرابحه باز خرید دارایی‌ها، این امکان را فراهم می‌کند که از یک طرف، دولت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی که با کمبود نقدینگی مواجه شده‌اند، بتوانند از طریق فروش نقدی و بازخرید نسبه دارایی‌های خود به نقدینگی مورد نظر دست یابند و از طرف دیگر، مؤسسات مالی و به تبع آنها صاحبان وجوه مازاد از طریق خرید و فروش این اوراق به سود معینی برسند. البته در بحث و بررسی فقهی این اوراق خواهد آمد که چنین معاملاتی محل اشکال است.

برای مثال، فرض کنید که یک شرکت هواپیمایی نیازمند ۱۰۰ میلیارد ریال نقدینگی است. این شرکت اقدام به تأسیس یک مؤسسه واسط می‌کند. واسط از طریق انتشار اوراق مرابحه، ۱۰۰ میلیارد ریال از مردم جمع کرده و یکی از دارایی‌های شرکت هواپیمایی را خریداری می‌کند (برای مثال، یکی از هواپیماهای شرکت را به ارزش ۱۰۰ میلیارد ریال خریداری می‌کند)، سپس همان دارایی را به قیمت ۱۲۰ میلیارد ریال به صورت نسبه یک ساله به شرکت هواپیمایی می‌فروشد و شرکت هواپیمایی متعهد می‌شود که آن مبلغ را در سررسید از طریق شرکت تأمین سرمایه به صاحبان اوراق بپردازد.



مدل عملیاتی اوراق مرابحه تأمین نقدینگی

روابط حقوقی در اوراق مرابحه نوع دوم، همانند نوع اول است. تنها با این تفاوت که در این نوع، مؤسسه واسط دارایی را از خود بانای به صورت نقد خریداری می‌کند، سپس همان دارایی را با قیمت بالاتری به صورت نسیه یک ساله به خود او می‌فروشد.

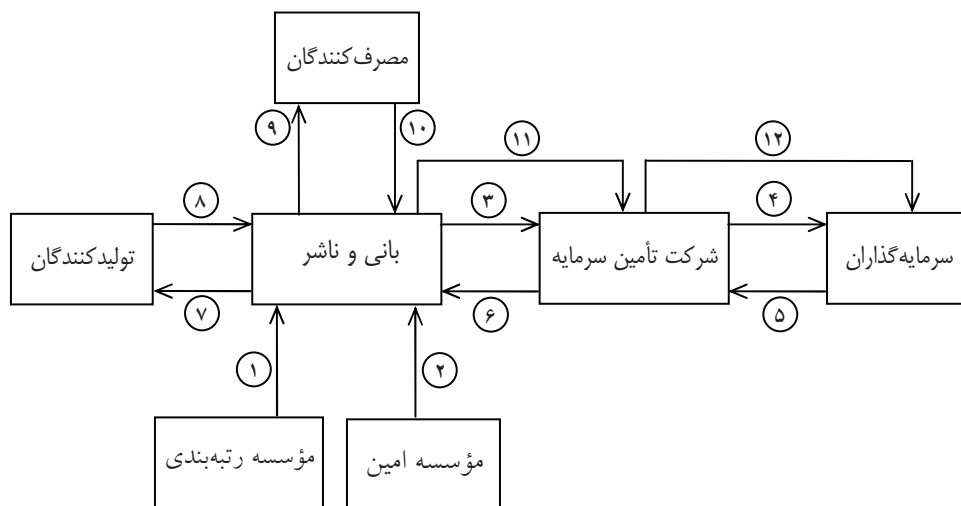
۳. اوراق مرابحه تشکیل سرمایه شرکت‌های تجاری

در این نوع از اوراق مرابحه، هدف تشکیل سرمایه، فعالیت تجاری مستمر است. بانای (شرکت تجاری) که نقش ناشر را نیز دارد، با انتشار و واگذاری اوراق مرابحه، وجوه نقدی مازاد افراد را جمع‌آوری کرده به وکالت از طرف آنان، کالاهای مورد نیاز دولت، سازمان‌های دولتی، شرکت‌های وابسته به دولت و بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی و مصرف‌کنندگان را از تولیدکنندگان یا مراکز فروش به صورت نقد خریده، سپس با افزودن نرخ معینی به عنوان سود، به صورت نسیه به مصرف‌کنندگان نهایی می‌فروشد. سود حاصل از عملیات خرید و فروش، پس از کسر درصدی به عنوان حق الوکاله ناشر (شرکت تجاری)، به صورت فصلی یا سالانه از طریق شرکت تأمین سرمایه بین صاحبان اوراق توزیع می‌شود.

برای مثال، یک فروشگاه زنجیره‌ای می‌تواند برای تشکیل یا تکمیل سرمایه تجاری خود، این اوراق را منتشر کند تا با تجهیز سرمایه به وکالت از طرف صاحبان اوراق به فعالیت تجاری بپردازد و در پایان هر سال مالی، سود به دست آمده از فعالیت تجاری را محاسبه نموده و بخشی از آن را به عنوان حق الوکاله و هزینه عملیات خودش برمی‌دارد، بقیه را به عنوان سود سالانه بین صاحبان اوراق تقسیم می‌کند و با استفاده از اصل سرمایه به فعالیت ادامه می‌دهد.

در این اوراق در هر مقطع زمانی، دارایی ناشر (شرکت تجاری)، ترکیبی از پول نقد، اجناس و مطالبات خواهد بود که صاحبان اوراق به صورت مشاع مالک آنها هستند و می‌توانند در وقت نیاز به دیگری واگذار کنند، قیمت خرید و فروش اوراق مرابحه به تناسب نرخ سود پرداختی ناشر به صاحبان اوراق و بازده سایر ابزارهای مالی مشابه، تعیین می‌شود و ممکن است که از قیمت اسمی کمتر یا بیشتر باشد.

اوراق مرابحه نوع سوم، ماهیت اوراق سهام شرکت‌ها را دارد و می‌تواند بدون سررسید معین منتشر شود، همان طور که می‌توان ابتدا آن را به صورت سررسید، اما قابل تبدیل به اوراق سهام طراحی کرد.



مدل عملیاتی اوراق مرابحه شرکت‌های تجاری

روابط حقوقی اوراق مرابحه شرکت‌های تجاری

۱. واسط (شرکت تجاری) که نقش بانی و ناشر را دارد، با انتخاب مؤسسه رتبه‌بندی مورد تأیید سازمان بورس و اوراق بهادار، امیدنامه خود را برای اعلام رتبه اعتباری تقدیم می‌کند و مؤسسه رتبه‌بندی، اعتبار بانی و واسط (شرکت تجاری) را اعلام می‌کند.

۲. واسط با انتخاب مؤسسه امین مورد تأیید سازمان بورس و اوراق بهادار، نظارت طرح را از او می‌خواهد و مؤسسه امین با نظارت از ابتدا تا انتهای طرح موافقت می‌کند. ۳ و ۴. واسط (شرکت تجاری) اوراق بهادار مرابحه را به صورت متحد الشكل منتشر کرده و از طریق شرکت تأمین سرمایه به مردم واگذار می‌کند.

۵ و ۶. شرکت تأمین سرمایه وجوه مردم را جمع کرده و در اختیار واسط (شرکت تجاری) می‌گذارد.

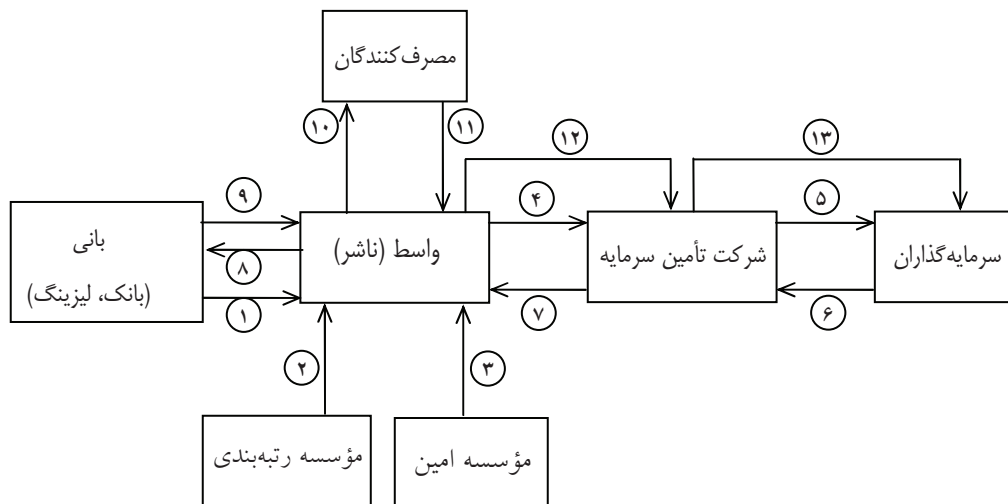
۷، ۸ و ۹. واسط (شرکت تجاری) با استفاده از وجوه مردم و به وکالت از طرف آنان به صورت پیوسته کالاهای مورد تقاضای مصرف‌کنندگان را خریداری و با حساب سود به صورت نسبی به آنان می‌فروشد.

۱۰ تا ۱۲. واسط (شرکت تجاری) در سررسیدهای مقرر قیمت کالاها را تحویل گرفته، بعد از کسر حق الوکاله، سود حاصل را از طریق شرکت تأمین سرمایه به مردم واگذار می‌کند و با اصل سرمایه به فعالیت تجاری ادامه می‌دهد.

۴. اوراق مرابحه رهنی

یکی از کاربردهای مهم اوراق مرابحه، تبدیل کردن تسهیلات بانک‌ها و شرکت‌های لیزینگ به اوراق بهادار است. در این روش، بانی (بانک یا شرکت لیزینگ) که دارایی‌هایی را به صورت مرابحه (فروش اقساطی) رهنی به دولت، بنگاه‌ها و خانوارها واگذار کرده است، می‌تواند با تبدیل کردن مطالبات حاصل از تسهیلات مرابحه به اوراق بهادار، منابع خود را تجدید کند. برای این منظور، اقدام به تأسیس واسط می‌کند. واسط با انتشار اوراق مرابحه، وجوه سرمایه‌گذاران را جمع‌آوری، سپس به وکالت از طرف آنان، قرض‌های حاصل از تسهیلات مرابحه را به قیمت تنزیلی از بانی (بانک یا شرکت لیزینگ) خریداری می‌کند. بانی متعهد می‌شود که در سررسیدهای مشخص مبلغ اسمی

قرض‌ها را از بدهکاران دریافت کرده و از طریق شرکت تأمین سرمایه به دارندگان اوراق برساند. دارندگان اوراق می‌توانند تا سررسید منتظر بمانند و از سود اوراق استفاده کنند و می‌توانند قبل از سررسید، اوراق خود را در بازار ثانوی بفروشند.



مدل عملیاتی اوراق مرابحه رهنی

روابط حقوقی اوراق مرابحه رهنی

۱. بانی (بانک یا شرکت لیزینگ) با تأسیس واسط آمادگی خود را مبنی بر واگذاری مطالبات حاصل از تسهیلات مرابحه رهنی را بر اساس نرخ تنزیل معینی اعلام می‌دارد.
۲. واسط با انتخاب مؤسسه رتبه‌بندی مورد تأیید سازمان بورس و اوراق بهادار، امیدنامه خود را برای اعلام رتبه اعتباری تقدیم می‌کند و مؤسسه رتبه‌بندی اعتبار بانی و واسط را اعلام می‌کند.
۳. واسط با انتخاب مؤسسه امین مورد تأیید سازمان بورس و اوراق بهادار، نظارت طرح را از او می‌خواهد و مؤسسه امین با نظارت از ابتدا تا انتهای طرح موافقت می‌کند.
- ۴ و ۵. واسط اوراق بهادار مرابحه به صورت متحد الشکل منتشر کرده و از طریق شرکت تأمین سرمایه به مردم واگذار می‌کند.
- ۶ و ۷. شرکت تأمین سرمایه وجوه مردم را جمع کرده و در اختیار واسط می‌گذارد.

۸، ۹ و ۱۰. واسط با استفاده از وجوه مردم و به وکالت از طرف آنان مطالبات حاصل از تسهیلات مرابحه رهنی را بر اساس نرخ تنزیل معین خریداری و به وکالت از طرف صاحبان اوراق، مالک دیون (مطالبات حاصل از تسهیلات مرابحه رهنی) می‌شود. ۱۱ تا ۱۳. واسط در سررسیدهای مقرر مطالبات حاصل از تسهیلات مرابحه رهنی را تحویل گرفته، بعد از کسر حق الوکاله باقیمانده را از طریق شرکت تأمین سرمایه به مردم واگذار می‌کند.

بازار ثانوی اوراق مرابحه

همه انواع اوراق مرابحه از نوع ابزارهای مالی انتفاعی با سود معین می‌باشد، بر این اساس می‌تواند اهداف و سلیقه‌های بخش مهمی از صاحبان وجوه مازاد که قصد سرمایه‌گذاری بدون ریسک دارند را پوشش دهد. در نتیجه، اگر مشکل فقهی نداشته باشد، قابلیت خرید و فروش در بازار ثانوی را خواهد داشت. در نوع اول، دوم و چهارم اوراق مرابحه، در حقیقت دارنده ورق مرابحه، مالک سند مالی با سررسید معین است؛ بنابراین، می‌تواند با توجه به نرخ تنزیل، آن را به مبلغی کمتر از قیمت اسمی به شخص ثالث (خریدار) بفروشد، تفاوت قیمت خرید و قیمت اسمی ورق سود خریدار از سرمایه‌گذاری در اوراق مرابحه خواهد بود که نرخ معین است.

در حقیقت، مالک در نوع سوم دارنده ورق مرابحه، مشاع بخشی از دارایی ناشر اوراق (شرکت تجاری) است و با فروش ورق، مالکیت خود را از آن دارایی مشاع واگذار می‌کند و خریدار ورق، مالک آن دارایی شده و به تبع آن، دریافت‌کننده سود ناشر از محل فعالیت خرید و فروش مرابحه‌ای خواهد بود، این نرخ نیز تقریباً معین است.

فقه اوراق مرابحه

چنانچه گذشت، بیع مرابحه از معاملات مجاز و مشروع نزد همه مسلمانان (شیعه و اهل سنت) است و هیچ اختلافی در آن وجود ندارد؛ اما اوراق مرابحه دارای معاملات دیگری غیر از بیع مرابحه می‌باشد که وقتی همه آنها را در نظر می‌گیریم، از نظر فقهی به تأمل نیاز دارد.

بازار اولیه و ثانویه نوع اول از اوراق مرابحه، ترکیبی از قراردادهای وکالت، بیع نقد، بیع نسبه و بیع دین (تنزیل) است؛ به این صورت که واسط به وکالت از طرف صاحبان اوراق، کالای مورد نیاز متقاضی را به صورت نقد می‌خرد، سپس آن را به صورت نسبه مدت‌دار به متقاضی می‌فروشد. بعد از این صاحبان اوراق، مالکان مشاع قرض‌های حاصل از بیع نسبه هستند، آنان می‌توانند صبر کنند و در سررسید مبلغ اسمی ورق (دین) را دریافت کنند، همچنین می‌توانند آن اوراق را در بازار ثانوی بفروشند (تنزیل کنند). عملیات فروش ورق ممکن است که در بازار ثانوی چندین بار تکرار شود، چنانچه در پیوست شماره (۱) می‌آید. قراردادهای بیع نقد و نسبه وکالتی هیچ مشکلی ندارد؛ اما قرارداد فروش اوراق در بازار ثانوی که مصداق خرید و فروش دین می‌باشد، محل بحث و اختلاف است که توضیح آن در پیوست شماره (۲) می‌آید.

در نوع دوم، واسط (ناشر) دارایی دولت یا یک بنگاه اقتصادی را به صورت نقد از او می‌خرد، سپس به صورت نسبه به خود او می‌فروشد. در این نوع، علاوه بر بحث تنزیل، اصل خرید و فروش نقد و نسبه کالا در بازار اولیه نیز از نظر فقهی مصداق بیع العینه بوده و محل بحث و اختلاف است که توضیح آن در پیوست شماره (۳) می‌آید.

در نوع سوم، متقاضیان اوراق مرابحه، وجوه خود را به عنوان وکالت در اختیار ناشر (شرکت تجاری) می‌گذارند و به او اجازه می‌دهند که وجوه آنان را به صورت مشاع در خرید و فروش مرابحه‌ای به کار گیرد. شرکت تجاری به عنوان وکیل با منابع آنان، کالاهای مورد نیاز دولت، بنگاه‌ها و خانوارها را به صورت نقد خریده و به صورت نسبه می‌فروشد و در سررسیدهای مقرر به عنوان وکیل، مطالبات صاحبان اوراق را وصول می‌کند و در پایان هر سال مالی، سود به دست آمده را پس از کسر حق الوکاله بین صاحبان اوراق تقسیم می‌کند. هر یک از صاحبان اوراق می‌توانند سهم خودشان را از دارایی شرکت هر زمان که بخواهند به صورت نقد یا نسبه به دیگری بفروشند.

بنابراین، معاملات این نوع از اوراق مرابحه ترکیبی از قراردادهای وکالت، خرید وکالتی، فروش وکالتی و فروش دارایی در بازار ثانوی است و همه این قراردادها چنانکه در پیوست شماره (۱) می‌آید، به اتفاق فقه شیعه و اهل سنت صحیح است.

در نوع چهارم، واسط بعد از جمع‌آوری وجوه، به وکالت از طرف صاحبان اوراق، قرض‌های حاصل از تسهیلات مرابحه‌ای بانک‌ها و شرکت‌های لیزینگ را خریداری

(تنزیل) می‌کند و از نظر فقهی، شبیه نوع اول می‌باشد.

نتیجه اینکه که معاملات نوع سوم اوراق مرابحه، چه در بازار اولیه و چه در بازار ثانویه، به اعتقاد همه فقها (شیعه و سنت) صحیح است. نوع اول اوراق مرابحه در بازار اولیه مشکلی ندارد؛ اما معاملات بازار ثانویه آن، همین طور بازار اولیه و ثانویه نوع چهارم نیازمند صحت بیع دین (تنزیل) به شخص ثالث به کمتر از مبلغ دین است که این معامله به اعتقاد مشهور فقهای شیعه و برخی از شافعیه صحیح است، اما به اعتقاد برخی از فقهای شیعه و مشهور فقهای اهل سنت اشکال دارد. توضیح بیشتر در پیوست شماره (۲) خواهد آمد.

نوع دوم اوراق مرابحه از همان معامله نخست محل اشکال است. بنا بر آنچه بیان شد، در این نوع، دولت یا بنگاه‌های اقتصادی، دارایی‌های خود را به صورت نقد به واسط می‌فروشند، سپس آنها را به صورت نسبه می‌خرند و در برابر آن اسناد مالی مدت‌دار می‌دهند، این نوع عملیات خرید و فروش که به آن بیع العینه می‌گویند، از قدیم محل بحث فقهای شیعه و اهل سنت بوده است و به اعتقاد مشهور فقهای شیعه و اهل سنت چنین بیعی محل اشکال است (جواهری، ۱۴۰۸ق، ص ۲۴۱-۲۴۷). توضیح بیشتر در پیوست شماره (۳) می‌آید.

بررسی اقتصادی اوراق مرابحه

اوراق مرابحه از جهت معیارهای اقتصاد خرد و اقتصاد کلان نیز قابل بررسی است. از منظر معیارهای اقتصاد خرد می‌توان گفت:

۱. چنانکه گذشت، همه انواع اوراق مرابحه بر اساس سود برای صاحبان اوراق طراحی می‌شود؛ در نتیجه، این اوراق از صنف ابزارهای مالی انتفاعی خواهد بود.
۲. نرخ سود نوع اول، دوم و چهارم اوراق مرابحه، چه در بازار اولیه و چه در بازار ثانویه، نرخ معین و از قبل تعیین شده است و نرخ بازدهی نوع سوم، گرچه به خودی خود متغیر است و در دامنه مشخصی از تغییرات قرار می‌گیرد، لکن به منظور وجود متغیر دیگری به نام حق الوکاله می‌توان با مدیریت مشخص به نرخ معینی از سود برای صاحبان اوراق رسید؛ در نتیجه، اوراق مرابحه می‌تواند ابزار مناسبی برای صاحبان وجوه باشد که به دنبال سود معین از سرمایه‌گذاری هستند.

۳. با توجه به امکان شکل‌گیری بازار ثانویه این اوراق، به نظر می‌رسد که اوراق مرابحه (به ویژه نوع اول، دوم و چهارم) دارای درجه نقدشوندگی بالایی است.

۴. هر چه تنوع اوراق مرابحه بیشتر شود، به ویژه زمانی که واسط‌های زیادی اقدام به انتشار اوراق مرابحه از نوع سوم کنند، انتظار می‌رود که بازار اولیه و ثانویه این اوراق به سمت رقابت و کارایی بالاتر برود.
از منظر اقتصاد کلان نیز می‌توان گفت:

۱. همان‌طور که بیان شد، اوراق مرابحه برای تأمین مالی دولت، مؤسسات وابسته به دولت، بنگاه‌های اقتصادی و خانوارها به کار می‌رود. بنابراین، به صورت هم‌زمان روی اجزای گوناگون تابع درآمد ملی، مانند هزینه‌های مصرفی، دولتی و سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد؛ در نتیجه، تأثیر این اوراق روی رشد واقعی اقتصادی، تابع شرایط حاکم بر اقتصاد خواهد بود. البته می‌توان از طریق ابزارهای کنترلی سهم بخش‌های تولیدی را در این ابزار تقویت کرد.

۲. اگر بازار اولیه و ثانویه اوراق به صورت رقابت سالم باشد، نرخ بازدهی اوراق به سمت نرخ بازدهی سرمایه در بخش واقعی اقتصاد خواهد رفت و این به توزیع عادلانه درآمد بین عوامل تولید کمک می‌کند؛ اما اگر اوراق محدود و به صورت غیر رقابتی باشد، انتظار می‌رود که به خاطر قدرت چانه‌زنی بالای سرمایه، نرخ بازدهی اوراق بیشتر از ارزش افزوده آنها باشد.

۳. اوراق مرابحه می‌تواند به عنوان ابزار سیاست مالی برای تأمین کسری بودجه دولت و نهادهای دولتی مورد استفاده قرار گیرد. برای مثال، زمانی که دولت در یک مقطع زمانی کوتاه مدت با کسری بودجه مواجه است، راه‌های مختلفی برای تأمین آن وجود دارد، که بهترین آنها تأمین مالی از طریق منابع مردم است و اوراق مرابحه این امکان را به دولت می‌دهد. برای این منظور، دولت یک مؤسسه واسط تشکیل می‌دهد. مؤسسه واسط با انتشار اوراق مرابحه وجوه مازاد مردم را جمع کرده و به وسیله آن، کالاهای مورد نیاز دولت را به صورت نقد خریداری و به صورت نسبه کوتاه مدت به دولت می‌فروشد، سپس دولت از محل درآمد آینده خود، اوراق را تسویه می‌کند. روشن است که اثر تورمی این ابزار بسیار کمتر از روش قرض گرفتن از بانک مرکزی است.

۴. در صورت گسترش بازار اولیه و ثانویه اوراق مرابحه و تنوع قابل ملاحظه اوراق، بانک مرکزی می‌تواند با خرید و فروش این اوراق در بازار ثانوی، روی نرخ تنزیل و حجم نقدینگی جامعه تأثیر گذارد. برای مثال، بانک مرکزی در شرایط رکود اقتصادی با ورود به بازار ثانوی اوراق مرابحه و پیشنهاد قیمتی بالاتر، اقدام به خرید اوراق و تزریق پول و نقدینگی به جامعه می‌کند و در شرایط تورم با فروش اوراق نقدینگی مازاد را جمع‌آوری می‌کند؛ بنابراین، اوراق مرابحه می‌تواند به عنوان ابزاری برای سیاست پولی نیز مطرح شود.

۵. مهم‌تر از همه مطالبی که گذشت، اوراق بهادار مرابحه می‌تواند برای موارد خاص (کالاهای مشخص) با سررسیدهای بسیار کوتاه مدت سه ماهه، شش ماهه و نه ماهه طراحی شود و به جای اسناد خزانة و اوراق قرضه دولتی با سررسیدهای کوتاه مدت به کار رود و در تحقق اهداف تأمین کسری بودجه دولت و یا سیاست پولی بانک مرکزی از طریق عملیات بازار باز مورد استفاده قرار بگیرد.

در مجموع، می‌توان گفت: غیر از نوع دوم اوراق مرابحه که مشکل شرعی دارد، سایر انواع اوراق مرابحه به ویژه نوع سوم آن می‌تواند ابزار مناسبی برای بازار سرمایه کشورهای اسلامی باشد و نوع اول و چهارم نیز می‌تواند تنها برای فروش در داخل کشور و برای شیعیان خارج از کشور طراحی شود.

پیوست‌های فقهی اوراق بهادار مرابحه

همان‌طور که در بحث فقه اوراق مرابحه بیان شد، در بازار اولیه و ثانویه این اوراق از مجموعی از قراردادها استفاده می‌شود که برخی از آنها محل بحث و مناقشه فقهی است. در این قسمت به بررسی این قراردادها می‌پردازیم.

پیوست (۱): بررسی فقهی بیع وکالتی

با توجه به اینکه قرارداد بیع در اصل و به صورت مستقیم از طرف مالک واقع می‌شود، با وکالت یا ولایت از یک طرف یا از دو طرف هم منعقد می‌شود و برای یک نفر جایز است که هر دو طرف عقد را بر عهده بگیرد؛ از یک طرف، به عنوان اصیل (مالک) و از طرف دیگر، به عنوان وکیل (ولی)، همان‌گونه که می‌تواند به وکالت یا به ولایت از هر دو طرف و یا به وکالت از طرفی و به ولایت از طرف دیگر، عهده‌دار قرارداد شود (امام خمینی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۶۵).

اگر مال دیگری را بدون وکالت و ولایت بفروشد یا خیال می‌کرد که وکیل یا ولی است، بعد معلوم شد که نیست و یا خیال می‌کرد که مال خودش است، بعد معلوم شد که مال او نیست؛ در همه این موارد، معامله را «بیع فضولی» می‌گویند که با اجازه مالک اصلی صحیح، وگرنه باطل است و اثری ندارد (همان).

پیوست (۲): بررسی فقهی بیع الدین (تنزیل)

یکی از مسائل مهم دین، به ویژه در عصر حاضر، امکان خرید و فروش دیون و مطالبات مدت‌دار است. اگر بیع دین خصوصاً به کمتر از قیمت اسمی به شخص ثالث (تنزیل) صحیح باشد، راهکار مهمی برای تأمین مالی در اختیار دولت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی قرار می‌گیرد. دولت و فعالان اقتصادی می‌توانند مطالبات مدت‌دار خود را از شرکت‌ها، مؤسسات و اشخاص حقیقی و حقوقی، به صورت اسناد یکسان و هماهنگ تنظیم کرده و در صورت نیاز در بازار به فروش برسانند و از این طریق، نیازهای کوتاه مدت خود به نقدینگی را تأمین کنند.

فقه‌های بزرگوار این بحث را در احکام بیع بیان می‌کنند و در توضیح المسائل‌های جدید در بحث معاملات سفته مطرح می‌کنند. تحقیق مفصلی که پیرامون دیدگاه فقها و استدلال‌هایشان نسبت به بیع دین انجام شده، نشان می‌دهد که شش نظریه فقهی در این زمینه وجود دارد (موسوی، ۱۳۸۱، ص ۷۸-۸۷). خلاصه این نظریه‌ها عبارت است از:

۱. بیع دین مطلقاً باطل است؛ این نظریه را شیخ طوسی به شافعی نسبت داده است.
 ۲. بیع دین حال صحیح، اما مؤجل باطل است؛ صاحب *حلائق*، محقق و شهید این نظریه را دارند.

۳. بیع دین به مدیون صحیح، اما به غیر او باطل است؛ این نظریه را ابن ادریس، امام خمینی^(ع) در قول جدیدشان مطرح کرده‌اند.

۴. بیع دین به ثمن حال صحیح، اما به ثمن نسیه باطل است؛ محقق ثانی، مقدس اردبیلی و شهید درلّمعه به این نظر معتقدند.

۵. بیع دین صحیح، است لکن مشتری تنها حق مطالبه ثمن پرداخت شده را دارد؛ شیخ طوسی، ابن براج و شهید در دروس این نظر را بیان کرده‌اند.

۶. بیع دین مطلقاً صحیح است و خریدار مالک تمام دینی می‌شود که مدیون بدهکار است؛ مشهور فقهای گذشته و معاصر، چون سید یزدی، بروجردی، خوئی، امام خمینی

(طبق قول اولشان)، سیستانی، مکارم شیرازی، تبریزی، وحید خراسانی و زنجانی، این نظریه را مطرح کرده‌اند.

امام خمینی علیه السلام همانند مشهور فقها، ابتدا به جواز بیع دین به صورت مطلق معتقد بود و در کتاب *تحریر الوسیله* بعد از تقسیم سفته به سفته‌های حقیقی (که حکایت از دین واقعی می‌کند) و سفته‌های صوری (که حکایت از دین واقعی نمی‌کند) می‌فرماید: در نوع اول، اگر سفته را نزد شخص ثالثی به مبلغ کمتر تنزیل نماید، به اینکه آنچه را در ذمه مدیون دارد، به کمتر از آن بفروشد، اشکالی در آن نیست (امام خمینی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۵۸۱).

لکن بعد از مدتی ظاهراً از نظر قبلی خویش برگشته و در استفتائاتی که شده، به حرمت و ربوی بودن بیع دین فتوی می‌دهد. متن پرسش‌ها و پاسخ‌ها به این صورت است:

سؤال ۱: در رساله احکام از قول حضرت عالی نوشته شده که خرید و فروش سفته و چک تضمینی به کم یا زیاد اشکال ندارد؟

جواب: فروش چک یا سفته به شخص ثالث به کمتر ربا و حرام است (امام خمینی، ۱۳۷۵، ج ۲، سؤال ۲۲۶، ص ۱۷۵).

سؤال ۲: اگر کسی در مقابل طلبی که دارد، سفته یا براتی داشته باشد و بخواهد طلب خود را پیش از وعده آن به کمتر از آن بفروشد، اشکال دارد یا نه؟

جواب: اگر سفته یا برات را به خود بدهکار به کمتر بفروشد، مانع ندارد؛ ولی فروش آن به غیر مدیون به کمتر، ربا و حرام است (همان، سؤال ۲۲۷، ص ۱۷۶).

بیع دین در حقوق ایران

عمده بحث بیع دین در حقوق ایران در تنزیل اسناد تجاری از طرف بانک‌ها مطرح است. در حال حاضر، عملیات مربوط به خرید دین بر مبنای آیین‌نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری و مقررات اجرائی آن انجام می‌گیرد، که در جلسه مورخ ۱۳۶۱/۸/۲۶ شورای پول و اعتبار به تصویب رسیده و به دنبال آن، در شورای نگهبان نیز مطرح شد و به اکثریت آراء، مخالف با شرع و قانون اساسی شناخته نشد (هدایتی و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۱۵۹). در نامه شورای نگهبان به بانک مرکزی آمده است: عطف به نامه شماره ۲۳۴۴ / ه مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۵ آیین‌نامه موقت تنزیل اسناد و

اوراق تجاری (خرید دین) مصوب جلسه چهارصد و هفتاد و یکمین مورخ ۱۳۶۱/۸/۲۶ شورای پول و اعتبار که در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با اکثریت آراء، مغایر با موازین شرعی و قانون اساسی شناخته نشد (همان، ص ۲۸۹).

بیع دین به دین

طلحه بن زید در روایت موثقی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:
قال رسول الله صلی الله علیه و آله: لا یباع الدین بالدین؛ دین در مقابل دین فروخته نمی‌شود (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۸، ص ۲۹۸، حدیث ۲).

این روایت از نظر سند مورد توافق همه است. گروهی از فقها روایت را موثق می‌دانند و گروهی گرچه به خاطر وجود طلحة بن زید در سند روایت، آن را ضعیف می‌شمارند، لکن به جهت عمل مشهور ضعف را جبران می‌کنند (حسینی عاملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹).

اما این روایت از نظر محتوا، محل بحث است. مطابق ظهور روایت، از بیع دین به دین نهی شده است و نهی در معاملات هم باعث فساد است و از طرفی، ادعا شده که «دین» در روایت اطلاق دارد و آنچه را که پیش از معامله دین بوده یا به معامله دین می‌شود، در برمی‌گیرد و لذا صاحب جواهر، بطلان بیع دین به ثمن مؤجل (که بعد از عقد، دین می‌شود) را به مشهور نسبت می‌دهد (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۴، ص ۳۴۶). در مقابل، گروهی از فقها چون شهید در مسالک و محقق در شرایع معتقدند که اصل لفظی مستنبط از عموماتی، چون احل الله البیع، در بیع صحت است و خروج از این اصل تنها در موارد متیقن ممکن است و آنجایی است که دینی به دین دیگر که هر دو قبل از عقد دین بودند، فروخته شود (همان). امام خمینی علیه السلام نیز در جایی که عوضین قبل از عقد، دین هستند، بنا بر اقوی باطل می‌داند و در جایی که حداقل یکی از آنها قبل از عقد دین نیست، احتیاط می‌کند (امام خمینی، ۱۴۱۶، ق، ج ۱، مسئله ۷، ص ۵۹۷).

نتیجه نهایی اینکه، گرچه بیع دین از دیدگاه برخی از فقهای شیعه و غالب فقهای اهل سنت اشکال دارد؛ اما از دیدگاه مشهور فقهای شیعه تا زمانی که بیع دین به دین تبدیل نشود، اشکالی ندارد و از جهت حقوقی، نیز چنانکه گذشت، مورد تأیید شورای

نگهبان است. پس نوع اول و چهارم اوراق مرابحه که بازار ثانوی آنها بر پذیرش بیع دین متوقف است، در سطح داخلی قابل انتشار است و بخش مهمی از مردم ایران می‌توانند از آن استفاده کنند؛ اما انتشار آن در سطح بین‌المللی مشکل خواهد داشت.

پیوست (۳): بررسی فقهی بیع العینه

تعریف بیع العینه

در تعریف بیع العینه اختلاف است. تعریف معروف آن که در بحث ابزارهای مالی نیز می‌تواند مطرح باشد، عبارت است از اینکه، کسی کالای خود را به صورت نقد می‌فروشد و پول آن را به صورت نقد تحویل می‌گیرد، سپس آن کالا را به صورت نسیه مدت‌دار از خریدار می‌خرد و پول آن را در آینده می‌پردازد. گاه عکس این صورت رخ می‌دهد؛ به این بیان که کسی کالایی را به صورت نسیه می‌خرد، سپس آن کالا را به صورت نقد به فروشنده می‌فروشد (بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱، ص ۳۸۷). به طور معمول، این معامله جایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که کسی به پول نقد احتیاج داشته باشد و نخواهد از طریق قرض ربوی آن پول را به دست آورد.

انواع بیع العینه

بیع العینه به دو صورت قابل تصور است، که از نظر فقهی حکم متفاوتی دارد:

۱. خرید و فروش بدون شرط و تبانی

به این معنا که صاحب کالایی، کالای خود را به خریداری به صورت نقد می‌فروشد و بهای آن را دریافت می‌کند، سپس به خریدار پیشنهاد فروش نسیه کالا را می‌دهد، خریدار مصالح خود را در نظر گرفته و با آن پیشنهاد موافقت یا مخالفت می‌کند. در این صورت، اگر معامله دوم اتفاق بیفتد، دو تا معامله مستقل از هم بوده و به اعتقاد مشهور فقهای شیعه، اشکالی ندارد (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۳، ص ۱۰۸-۱۱۰).

۲. خرید و فروش با شرط یا تبانی

به این معنا که صاحب کالا، کالای خود را به صورت نقد می‌فروشد، به شرط اینکه خریدار، آن را به مبلغ معینی به صورت نسیه به او بفروشد و یا خریدار کالا را به صورت نقد می‌خرد، به شرط اینکه فروشنده آن را به مبلغ معین به صورت نسیه

بازخرید کند. گاه این شرط به صورت صریح در قرارداد ذکر یا نوشته می‌شود و گاه توافق طرفین قرارداد بر آن است که به اصطلاح تبانی می‌گویند. فقهای اهل سنت و شیعه به بطلان این نوع از بیع العینه قائل هستند و برای بطلان آن به دلایلی، مانند عدم تحقق قصد جدی معامله، حيله ربا، لزوم دور و وجود نص صریح، استناد کرده‌اند، گرچه برخی از این استنادها محل تردید است (جواهری، ۱۴۰۸ق، ص ۲۴۱-۲۴۷)، لکن مشهور فقهای گذشته و معاصر (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۲۳۰) به استناد به برخی از این دلایل به بطلان چنین معامله‌ای فتوی داده‌اند و در چنین فرضی (مخالفت مشهور) نمی‌توان ابزار مالی طراحی کرد. از آنجا که نوع دوم اوراق مرابحه به طور معمول و غالب از این صورت از بیع العینه است که به اعتقاد مشهور فقها باطل است (حسینی عاملی، بی تا، ج ۴، ص ۴۹۶)، نمی‌تواند در جوامع اسلامی به کار رود.

منابع

- امام خمینی علیه السلام (۱۳۷۵)، *استفتائات جدید*، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۳۷۹)، *البیع*، چاپ اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ (۱۴۱۶ق)، *تحریر الوسيله*، ج ۱ و ۲، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (۱۳۸۱)، *ربا*، قم: بوستان کتاب.
- پژوهشکده پولی و بانکی (۱۳۸۵)، *صوکوک*، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- جواهری، حسن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، *الربا فقهياً و اقتصادياً*، بیروت: دارالمرتضی.
- حسینی عاملی، سیدجواد (بی تا)، *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*، بیروت: مؤسسه آل البیت.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق)، *وسائل الشیعه*، چاپ اول، بیروت: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- لإحياء التراث العربی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۱)، *رساله اجوبه الاستفتائات*، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۳۷۷)، *مصباح الفقاهه*، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر الفقاهه.
- سازمان بورس و اوراق بهادار (۱۳۸۶)، *ضوابط ابزار مالی اوراق اجاره*، تهران، دی و بهمن.
- صالح آبادی، علی (۱۳۸۵)، *بازارهای مالی اسلامی*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- ضیائی، منوچهر (۱۳۷۲)، *قانون عملیات بانکی بدون ربا: مجموعه قوانین پولی و بانکی*، مؤسسه تحقیقاتی پولی و بانکی.
- فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۱)، *سیاست‌های اقتصادی در اسلام*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- معاونت آموزش قوه قضائیه (۱۳۸۴)، *مجموعه نظرات مشورتی فقهی در امور حقوقی*، قم: نشر قضا.

مقدسی، محمد رضا (۱۳۷۳)، سیاست‌های پولی: انتخاب ابزاری به عنوان جایگزین، تهران: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.

موسوی، سیدباقر (۱۳۸۱)، «خرید و فروش دین»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۷، پاییز.

موسویان، سیدعباس (۱۳۸۶)، ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

نجفی، محمدحسن (۱۹۸۱م)، جواهر الکلام، ج ۲۳ و ۲۴، بیروت: داراحیاء التراث العربی.